

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر همسرآزاری با تأکید بر نقش نظام مردسالاری در خانواده

منیژه نویدنیا^۱، ابراهیم شاملو^{۲*}

چکیده

یکی از آسیب‌های اجتماعی که جامعه را تهدید می‌کند همسرآزاری است که خود را به اشکال مختلف در نهاد خانواده نشان می‌دهد. مقاله حاضر با هدف شناسایی ارتباط بین عوامل اجتماعی مؤثر بر همسرآزاری در سال ۱۳۹۵ نگاشته شده است. رابطه مذکور، با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه مطالعه و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. جامعه آماری شامل ۱۲۰ نفر از زنان متأهل مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی شهرستان شاهرود بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد نگرش مردسالارانه ارتباط مؤثر و معناداری بر همسرآزاری دارد. همچنین، تفاوت معناداری بین همسرآزاری در سنین مختلف به‌دست آمد. نتیجه نهایی پژوهش این بود که با توجه به شاخص‌های نظام مردسالاری، هر قدر روابط نابرابر قدرت، سلطه مردان بر زنان، نظام سلطه پدرسالارانه، برتری طبقه مردان بر زنان و ستم بر زنان در جامعه بیشتر باشد، میزان همسرآزاری در خانواده و نقش نظام مردسالاری در شکل‌گیری و شیوع آن نیز بیشتر می‌شود.

کلیدواژگان

تجربه خشونت، فقدان منابع قدرت، نظام اجتماعی سنتی، نگرش مردسالارانه، همسرآزاری.

navidnia@hotmail.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی بهزیستی و تامین اجتماعی
Shamloo_e@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۳

مقدمه

همسرآزاری، به منزله یکی از انواع خشونت‌های خانگی، شامل هرگونه رفتاری است که به صورت عملی از سوی همسر به زن اعمال می‌شود. این نوع خشونت دربرگیرنده بدرفتاری‌های جسمانی، عاطفی و جنسی است که به منظور اعمال سلطه، اقتدار و تحکیم قدرت خود به زن و دیگر اعضای خانواده به کار می‌رود [۲۸].

همسرآزاری^۱ در مورد زنان، در اشکال مختلف جسمی و روانی، عمری به قدمت تاریخ بشری دارد. واقعیتی تلخ و انکارناپذیر که زندگی و کرامت انسانی زنان را خدشه‌دار و صدمات جبران‌ناپذیری به آنان وارد می‌کند [۲۵]. خشونت خانوادگی به زنان، پدیده‌ای با پیشینه تاریخی، علل اولیه بیولوژیک و روانی دارد که به برتری قوای جسمی مرد به زن و به تبع آن روح تفوق‌طلبی مردان بازمی‌گردد. اما می‌توان گفت توجه به آن به منزله مسئله‌ای اجتماعی مقوله‌ای است جدید؛ به طوری که طی دهه‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان از سطح یک مسئله متداول و کم‌اهمیت به موضوعی درخور توجه برای بسیاری از محققان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و سازمان‌های حامی سلامت، بهداشت و توانمندسازی زنان تبدیل شده است. این مسئله به‌ویژه از آن رو اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی شود و سلامت کانون خانواده را، که مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، به مخاطره افکند. این ناهنجاری رفتاری به تناسب ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی جوامع علل و عوامل و مصادیق متفاوتی دارد که در بسیاری از کشورها، صرف نظر از باورها و اعتقادات، مشاهده می‌شود. در حال حاضر، در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان، زنان و کودکان از تبعات و عواقب ناشی از خشونت، به خصوص در خانواده، رنج می‌برند و آمارهای موجود در این زمینه مؤید فجایع بی‌شماری در این کشورهاست [۲۶].

زنان حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز از تبعات و عوارض ناشی از خشونت رنج می‌برند و خشونت نه تنها تندرستی و تعادل عاطفی و روانی آنان را به خطر می‌اندازد، بلکه جامعه را نیز متضرر می‌کند و بهایی که جامعه بابت این صدمات می‌پردازد زیاد است و به سایر حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز سرایت می‌کند. نپرداختن منطقی و هدفمند به مسئله زنان و خشونت به بازتاب‌های منفی در فضای عمومی جامعه منجر خواهد شد [۱۸].

یکی از اشکال بارز همسرآزاری در جامعه امروزی خشونت علیه زنان است؛ به طوری که یافته‌های مطالعاتی حاکی از آن است که در ایران نیز، مانند سایر جوامع جهان، خشونت علیه زنان مشکل‌آفرین شده است. زنانی که در معرض خشونت قرار می‌گیرند انواع شکل‌های سوءرفتار را در زندگی فردی و اجتماعی خود تحمل می‌کنند. خشونت علیه زنان پدیده‌ای است

1. spouse abuse

که در آن زن فقط به سبب جنسیت خود از سوی جنس مخالف مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد و حش پایمال می‌شود. چنانچه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و میان زن و شوهر روی دهد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود [۵].

پدیده خشونت خانوادگی علیه زنان ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی تلقی می‌شود و در همه کشورهای دنیا توسعه یافته و در حال توسعه و در همه طبقات اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های سنی و شغلی متفاوت به چشم می‌خورد [۱]. در کشور ایران، به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی، خشونت در خیابان، محیط کار و اجتماع علیه زنان بسیار کمتر از جوامع غربی است. بیشترین شکل خشونت به زنان، خشونت‌های پنهان است، زیرا بسیاری از زنان به دلایلی از جمله شرم و حیا و حفظ آبرو از ابراز آن خودداری می‌کنند. آنچه ضرورت توجه به این مسئله را جدی‌تر می‌کند آن است که اعمال خشونت علیه زنان علاوه بر تأثیرات مضر بر زندگی فرد، موجب پیامدهای منفی از جمله احساس ناامنی، اختلال در روابط اجتماعی و تأثیر مستقیم بر تربیت فرزندان می‌شود و نیز وجود این پدیده مضر به زنان جامعه، امکان بهره‌مندی شایسته از توان و استعداد آنان را محدود می‌کند. بنابراین، رفع تنگناهای حقوقی و قانونی و طراحی برنامه‌های حمایتی و آموزشی و پیشگیرانه و فراهم کردن زمینه و بستر بروز توانمندی‌های زنان و حمایت‌های قانونی و اجتماعی لازم از جمله خط مشی‌هایی است که باید در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مورد توجه قرار گیرد، زیرا برای داشتن جامعه‌ای سالم و افرادی متعادل نمی‌توان نسبت به روابط به‌ظاهر خصوصی در درون خانواده بی‌توجه بود [۲۶].

حال، با توجه به موارد ذکر شده، این سؤال مطرح می‌شود که عوامل اجتماعی چه ارتباطی بر همسرآزاری در نهاد خانواده دارند؟ و چه ارتباطی بین نگرش مردسالاری و همسرآزاری در خانواده وجود دارد؟ وجود نظام اقتداری چقدر در بروز این مسئله نقش دارد؟ هدف کلی این پژوهش، شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر همسرآزاری در خانواده و اهداف جزئی آن از قبیل تعیین تأثیر نظام اقتداری پدرسالار بر همسرآزاری، تعیین رابطه بین فشارهای اقتصادی با همسرآزاری، تعیین تأثیر مناسبات حاکم بر خانواده بر خشونت و شناخت میزان همسرآزاری در شهرستان شاهرود، تعیین رابطه تجربه خشونت در دوران کودکی افراد با همسرآزاری و تعیین تأثیر روابط نابرابر قدرت در جامعه بر همسرآزاری بوده است.

مبانی نظری پژوهش

بسیاری از پژوهش‌گران در گذشته سعی کرده‌اند برای این پرسش که چرا همسرآزاری رخ می‌دهد پاسخی بیابند. بیشتر توضیحات اولیه بر عوامل روان‌شناختی و روان‌پزشکی تمرکز

داشته‌اند؛ مثلاً، اسنل^۱، روزنوالد^۲ و روبی^۳ (۱۹۶۴) مدعی بودند که شخصیت آزاردوستی^۴ زن موجب می‌شود که وی به وسیله همسرش مورد سوء رفتار قرار گیرد. به عبارت دیگر، زنان به دلیل اینکه از آزار دیدن لذت می‌برند، به وسیله همسرانشان مورد آزار قرار می‌گیرند. این نظریه به این دلیل که گناه را گردن قربانی می‌انداخت مردود شناخته شد. سپس نظریه‌های جدیدتر خشونت در دو سطح خرد و کلان مطرح شد. نظریه‌های سطح خرد بر عوامل مشخص یا خانوادگی تأکید دارند و تحلیل خود را از کنش‌های فردی شروع می‌کنند و سپس آن را به زمینه گسترده‌تر، کل اجتماع، سازگار می‌کنند. بنابر این نظریه‌ها (رفتار اعضای خانواده خشونت‌گر و کنش متقابل بین آن‌ها) به‌طور کلی در سطح فردی به تبیین این مسئله می‌پردازند. در این زمینه به نظریه‌های یادگیری اجتماعی، منابع، نقش‌ها اشاره خواهیم کرد. نظریه‌های سطح کلان بر ساختار اجتماعی و اقتصادی و عوامل ایدئولوژیکی موجود در جامعه تأکید دارد و خشونت را نه به‌منزله مسئله‌ای خصوصی، بلکه به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی و عمومی در نظر می‌گیرند. در این زمینه، به نظریه‌های خرده‌فرهنگ خشونت، نظارت اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیتی، فمینیستی، پدرسالاری، اقتدار و سلطه و تحلیل ساختار اشاره خواهد شد. چارچوب نظری در پژوهش حاضر تلفیقی از نظریه‌های تحلیل ساختار، یادگیری اجتماعی باندورا، نظریات نظارت اجتماعی، نظریه منابع ویلیام گود و نظریه فمینیستی است.

نظریه تحلیل ساختار، عوامل مؤثر بر خشونت به زنان را در ساختار ریشه‌یابی می‌کند. از نظریه یادگیری اجتماعی در این پژوهش چنین می‌توان استفاده کرد که افراد خشن و کسانی که در خانواده خود از خشونت استفاده می‌کنند در دوران کودکی قربانی یا شاهد خشونت بوده‌اند و خشونت در خانواده را از طریق مشاهده و تقلید تجربه کرده‌اند و آن را فراگرفته‌اند و در بزرگسالی و پس از تشکیل خانواده همان رفتار فراگرفته را برای حل تعارض‌ها و تنش‌های خانوادگی خود به کار می‌گیرند. همچنین، دیدگاه نظارت اجتماعی بر رابطه جامعه خانواده تأکید دارد و علت رفتار خشن را چنین بیان می‌کند: نه تنها جامعه خشونت را مجاز می‌داند، بلکه از آنجا که در جامعه خانواده به‌منزله محدود‌های خصوصی مطرح است، برای دولت امکان نظارت بر افراد در این محدوده خصوصی نیز وجود ندارد. بنابراین، ضعف (کمبود) توانایی امکان نظارت دولت بر رفتار افراد در خانواده سرآغاز خشونت خانوادگی است. نظریه منابع بر منابع مختلف افراد جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی تأکید می‌کند. براساس نظریه منابع گود، شوهرانی که فاقد منابع دیگر قدرت از قبیل درآمد، تحصیلات بالا و شغل ارض‌کننده هستند، از خشونت علیه زنان به‌منزله ابزاری برای کسب قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌کنند [۳].

1. Snell
2. Rosenwald
3. Robey
4. masochistic personality

در میان همه نظریه‌هایی که سعی کرده‌اند پدیده همسرآزاری را توضیح دهند، نظریه فمینیست^۱ توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. این دیدگاه بر تجربه جنسیت تأکید می‌کند و تشخیص می‌دهد که زن در جامعه در مقام یا درجه دوم قرار دارد و متعهد می‌شود که به این اختلاف پایان دهد. این نظریه نه تنها زندگی زنان، بلکه زندگی مردان در مقایسه با زندگی زنان و چگونگی تعامل دو جنس با یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد. براساس این نظریه، روابط دو جنس اساساً رابطه قدرت است. در رابطه‌ای که مرد از همسر خود سوء استفاده می‌کند، مرد همسر خود را با مورد سوء استفاده قراردادن فیزیکی یا کلامی یا روان‌شناختی یا هر سه تحت سلطه و انقیاد درمی‌آورد [۳۳]. این نظریه در توضیح پدیده همسرآزاری عقیده دارد به‌کارگیری خشونت به وسیله شوهر منعکس‌کننده قدرت، اختیار و موقعیت اجتماعی بالاتر مردان است. این امر در بسیاری از مردان این باور را به وجود می‌آورد که آن‌ها حق دارند همسرانشان را مورد سوء استفاده قرار دهند. پس خاتمه‌دادن به همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه قدرت بین زن و مرد در جامعه است. از میان نظریه‌های فمینیستی، نظریه‌های ستمگری جنسی، به‌خصوص فمینیسم رادیکالی، با موضوع پژوهش مرتبط است. فمینیسم رادیکال مردسالاری را با سلطه مذکر یکی می‌داند. در این دیدگاه، پدرسالاری نظامی است متشکل از مناسبات اجتماعی که در آن طبقه مردان بر طبقه زنان حاکم است. در اصل، نظریه فمینیستی مردان را به‌عنوان اعضای فرادست و زنان را به‌عنوان اعضای فرودست جامعه در نظر می‌گیرد. بنابراین، همسرآزاری پدیده‌ای طبیعی و خشونت خانوادگی بازتاب یک نظام اجتماعی پدرسالار است و باید آن را در شکل حاکمیت کلیه مردان بر کلیه زنان در نظر گرفت که هم در شکل تاریخی و هم در شکل تطبیقی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. بنابراین، پدرسالار بودن نظام اجتماعی یکی از عوامل تعیین‌کننده همسرآزاری است.

تانگ^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی پیرامون خشونت فیزیکی شوهران علیه همسران در کانادا، که نمونه بررسی شده او را ۲۲۶ مرد مرتکب خشونت زناشویی تشکیل می‌داد، نشان داده است که متغیرهای در معرض خشونت خانوادگی بودن در دوران کودکی، اختلال شخصیتی، اعتیاد به الکل، پایگاه اجتماعی و اقتصادی شوهر، رضایت‌مندی از زندگی زناشویی، پرخاشگری روان‌شناختی گرایش‌های موافق و تأییدکننده همسرآزاری با خشونت فیزیکی شوهران نسبت به همسران ارتباطی معنادار داشته است. در این میان، قوی‌ترین متغیر برای تبیین این خشونت، در معرض خشونت خانوادگی بودن در دوران کودکی بوده است [۳۷].

پژوهش انجام‌شده از سوی جین و همکاران، که به مطالعه خشونت علیه زنان در هندوستان می‌پردازد، نشان می‌دهد که حدود یک‌سوم این زنان بی‌سوادند. دلایل سوء رفتار جسمی

1. feminist theory
2. Tong

شوهران به همسرانشان، که در غالب موارد از سوی زنان گزارش شده است، عبارت‌اند از: مسائل اقتصادی، رابطه نامطلوب با مادرشوهر، رضایت‌بخش نبودن آشپزی، تعلیم و تربیت کودکان، صحبت کردن با دیگر مردان و ملاقات کردن پدر و مادر [۲۹].

نازپرور (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «همسرآزاری در شهر تهران» به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که در متغیرهای سن، نوع شغل، تحصیلات و سابقه ازدواج قبلی تفاوت معناداری بین گروه شاهد و گروه نمونه وجود ندارد، ولی در متغیرهای مربوط به وضعیت زندگی شوهر در دوران کودکی و وضعیت خاص شوهر (سابقه جرم، تعداد زوجات و...) تفاوت معناداری بین دو گروه شاهد و نمونه وجود دارد. از نتایج مهم دیگر این پژوهش تأکید بر نقش اساسی زمینه‌های تربیتی و فرهنگی در بروز پدیده همسرآزاری است؛ به طوری که مردانی که در کودکی در خانواده‌های خود شاهد کتک خوردن مادران خود بوده‌اند، شوهران معتاد و با سابقه مجرمیت و کسانی که همسر متعدد دارند بیشتر به خشونت علیه زنان روی می‌آورند [۲۷].

اعظم‌زاده و دهقان‌فرد [۲] پژوهشی با عنوان «خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی» را به روش پیمایش و با نمونه مورد بررسی ۲۰۰ زن متأهل، که حداقل یک فرزند داشتند، انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان انواع گوناگون خشونت (عاطفی، جسمی، جنسی و اقتصادی) خشونت جنسی و عاطفی بیشترین میزان را داشته است.

نتایج پژوهش سیف ربیعی و همکاران [۱۱] در رابطه با همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن در بین ۳۸۴ نفر از زنان متأهل شش مرکز بهداشتی درمانی شهر تهران نشان داد که میزان همسرآزاری ۴۱٫۷ درصد است و سه نوع همسرآزاری که بیشترین فراوانی را دارند عبارت‌اند از: قهر و کم‌محلّی از طرف شوهر، تحقیر و سرزنش، فحش و ناسزا که از گسترش شکل‌های روانی همسرآزاری در جامعه حکایت دارد.

همچنین، جزایری و شریفی در پژوهشی بیان کردند که بیماران مبتلا به سردردهای مزمن تنشی و میگرن نسبت به گروه کنترل نمره‌های بالاتری در همسرآزاری عاطفی و نمره‌های پایین‌تری در حمایت اجتماعی کسب کردند [۳۱].

روش

در این پژوهش، از دو روش اسنادی با مراجعه به کتب و منابع موجود در مورد همسرآزاری به‌طور اعم و خشونت به‌طور اخص و عوامل مؤثر بر آن، دیدگاه‌های نظری مختلف مطالعه شد و بر این اساس، قسمت‌های اولیه پژوهش تدوین شد. از طریق روش پیمایش، با مشخص کردن جامعه آماری و تعیین حجم نمونه، از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شد و با توجه به آن سؤالات

مورد نظر مطرح و پس از تکمیل آن‌ها فرضیه‌های پژوهش به بوتۀ آزمایش گذاشته شد. حجم نمونه شامل تعداد ۱۲۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به دادگستری شهرستان شاهرود است که به منظور شکایت از ضرب و شتم همسر خود در این مرکز حضور یافته بودند. محقق از روش نمونه‌گیری تصادفی در این پژوهش استفاده کرده است که بنا بر ملاحظات خاص جامعه آماری، ناگزیر از این روش در انتخاب آحاد نمونه بهره گرفته شده است و طی مدت یک ماه حضور در دادگستری، واحدهای نمونه به این روش انتخاب شدند و پرسش‌نامه را تکمیل کردند. برای ارزیابی اعتبار وسیله اندازه‌گیری از اعتبار محتوایی استفاده شد. بدین معنا که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نظر استادان فن برای بررسی فضای مفهومی استفاده شد. همچنین برای ارزیابی پایایی وسیله اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب حاصله بالاتر از ۰٫۶ بوده که این امر نشان می‌دهد پایداری درونی بین گویه‌ها در حد قابل قبولی بوده است. جدول ۲ ضریب آلفای کرونباخ را به تفکیک ابعاد چندگانۀ هریک از متغیرها نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای به‌کاررفته در تحقیق

متغیر	ابعاد	معرف
همسرآزاری (متغیر وابسته)	خشونت جسمی	کتک‌زدن، کشیدن موی سر، هل دادن، پرتاب کردن اشیاء، قتل، زخمی کردن، صدمه‌زدن
	خشونت عاطفی	اخم کردن، قهر کردن، اهمیت‌ندادن، نوازش نکردن، ترک صحبت، تحویل‌نگرفتن تجاوز، رابطه جنسی تحمیلی، رابطه جنسی ناخواسته و بدون رضایت زن، تهدید به ترک هم‌بستری، رابطه جنسی، آزار جنسی
متغیر مستقل	خشونت جنسی	نظارت مردان بر زنان، حاکمیت مردان، برتری مردان، فروتنی زنان، فقدان آزادی زنان
	نگرش مردسالارانه	ضرب و شتم، کنترل دائمی، مورد تمسخر قرار دادن، حبس کردن، پرتاب کردن اشیاء و وسایل خانه، توهین و ناسزا گفتن و داد و فریاد کردن
متغیر مستقل	تجربه و مشاهده خشونت	عدم داشتن مسکن شخصی، تأمین نکردن پوشاک خانواده حداقل به صورت فصلی، بیکاری، نداشتن بضاعت مناسب مالی (درآمد- هزینه)، ناتوانی پرداخت کامل هزینه‌ها
	فشارهای اقتصادی	روابط نابرابر قدرت، سلطۀ مردان بر زنان، نظام سلطۀ پدرانه، برتری طبقۀ مردان بر زنان، سلسله‌مراتب ستم بر زنان، وابستگی اقتصادی، ایدئولوژی پدرسالارانه، نابرابری زیستی، ساختار اقتداری، وجود قوانین تبعیض‌آمیز
متغیر مستقل	ضعف امکان نظارت دولت	عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی از جمله نیروی انتظامی، دادگاه، پلیس امنیت، دادگستری و قضات دادگاه و دستگاه قانون در جامعه
	فقدان منابع قدرت	قدرت، درآمد بالا، تحصیلات عالی، وجود زور و تهدید، شغل ارض‌کننده

جدول ۲. ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

ضریب آلفا	تعداد سؤال	ابعاد (گویه‌ها)	متغیر
۰٫۶۱	۴	نگرش مردسالارانه	متغیر مستقل
۰٫۹۵	۹	تجربه و مشاهده خشونت	
۰٫۷۷	۱۰	فشارهای اقتصادی	
۰٫۷۲	۹	نظام اجتماعی سنتی	
۰٫۸۲	۷	ضعف امکان نظارت دولت	
۰٫۶۲	۳	فقدان منابع قدرت	
۰٫۹۰	۴۲	آلفای مجموع گویه‌های متغیرهای مستقل	مجموع آلفای متغیر مستقل
۰٫۹۲	۹	خشونت جسمی	متغیر وابسته (همسرآزاری)
۰٫۶۱	۱۰	خشونت عاطفی	
۰٫۸۳	۴	خشونت جنسی	
۰٫۸۶	۲۳	مجموع آلفای گویه‌های متغیر وابسته	مجموع آلفای همسرآزاری

تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته که در بخش توصیفی نتایج زیر به دست آمده است. براساس یافته‌های جدول ۳، بین ابعاد مختلف همسرآزاری، میانگین همسرآزاری عاطفی در زنان بیشترین مقدار را داشته و همسرآزاری جنسی زنان پایین‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

براساس یافته‌های جدول ۴، بین عوامل اجتماعی، وجود نظام اجتماعی سنتی بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. به‌طور تلویحی، این یافته نشان می‌دهد که وجود نظام اجتماعی سنتی می‌تواند موجب رواج روابط نابرابر قدرت و تسلط ایدئولوژی مردسالارانه در جامعه شود.

جدول ۳. نمره‌های استاندارد آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر همسرآزاری

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی
خشونت جسمی	۲٫۲۵۶۹	۰٫۷۳۷۹۱	-۱٫۰۴۰
خشونت عاطفی	۲٫۳۲۳۸	۰٫۵۸۰۰۴	-۰٫۶۱۹
خشونت جنسی	۱٫۷۹۱۳	۰٫۷۱۹۳۵	-۱٫۰۰۸

جدول ۴. نمره‌های استاندارد آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر عوامل اجتماعی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	چولگی
نظام مردسالاری	۱٫۸۸۲۴	۰٫۶۶۶۰۸	-۰٫۷۳۰
تجربه و مشاهده خشونت	۱٫۹۳۶۴	۰٫۸۳۸۰۵	-۱٫۵۷۰
ضعف نظارت دولت	۱٫۶۵۶۵	۰٫۶۱۲۶۴	-۰٫۶۳۶
فشارهای اقتصادی	۱٫۷۹۸۰	۰٫۶۰۵۷۵	-۰٫۴۲۴
نظام اجتماعی سنتی	۲٫۵۲۸۸	۰٫۶۰۶۷۱	-۰٫۱۵۲
فقدان منابع قدرت	۱٫۷۹۴۹	۰٫۶۸۹۰۶	-۰٫۵۸۶

در بخش یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌ها) یافته‌های ذیل به دست آمد.
فرض نخست: بین وجود نگرش مردسالارانه و همسرآزاری در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵. آزمون پیرسون رابطه بین نگرش مردسالارانه و همسرآزاری

همسرآزاری	نگرش مردسالارانه	
۰٫۲۸۳	۱	همبستگی پیرسون
۰٫۰۰۶	۰	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

سطح معناداری در جدول ۵ برابر $Sig = ۰٫۰۰۶$ است که نشان‌دهنده رابطه معنادار بین همسرآزاری و نگرش مردسالارانه است و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر $۰٫۲۸۳^{**}$ است که نشان‌دهنده شدت رابطه قوی و مستقیم (مثبت و معنی دار) بین متغیرهاست. نتایج آزمون نشان می‌دهد نگرش مردسالارانه تأثیر معناداری بر همسرآزاری دارد و با توجه به اطلاعات جدول هر چقدر میزان و میانگین نگرش مردسالارانه بیشتر شود، میزان و میانگین همسرآزاری در خانواده بیشتر خواهد شد.

یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه با یافته‌های پژوهش پهلوان [۶]، الله‌وردیان عیدی [۱۴]، طرزی [۱۳]، حیدری [۷] و اعزازی [۱] هماهنگ است. همچنین، تأیید این فرضیه با یافته‌های برخی پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از ایران، مانند اسکوماچر و همکاران [۳۵]، هماهنگ است.

فرض دوم: بین تجربه و مشاهده خشونت در مردان در دوران کودکی و همسرآزاری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶. آزمون پیرسون رابطه بین تجربه خشونت در کودکی و همسرآزاری

همسرآزاری	تجربه و مشاهده خشونت	
۰٫۴۶۵	۱	همبستگی پیرسون
۰٫۰۰۰	۰	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

سطح معناداری در جدول ۶ برابر $Sig = ۰٫۰۰۰$ است که نشان‌دهنده رابطه معنادار بین همسرآزاری و تجربه و مشاهده خشونت است و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر $۰٫۴۶۵^{**}$ است که نشان‌دهنده شدت رابطه بسیار قوی و مستقیم (مثبت و معنی دار) بین متغیرهاست. نتایج آزمون نشان می‌دهد تجربه و مشاهده خشونت تأثیر معناداری بر همسرآزاری دارد و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین تجربه و مشاهده خشونت بیشتر شود، میزان و میانگین همسرآزاری در خانواده بیشتر خواهد شد. یافته‌های

به دست آمده از آزمون این فرضیه با یافته‌های پژوهش پهلوان [۶]، کلاتتری و حمیدیان [۱۹]، احمدی و زنگنه [۱۰]، جنائی (۱۳۸۵)، محمود فرهادی و محلی [۱۷]، اکبری [۴]، کاظمی [۲۰]، لهسایی‌زاده و مدنی [۲۲]، نازپرور [۲۷]، سیف ربیعی [۱۱]، الله‌وردیان عیدی [۱۴]، گرضایی [۲۱] و حیدری [۷] همسوست. همچنین، تأیید این فرضیه با یافته‌های برخی پژوهش‌های خارجی مانند تانگ [۳۷]، اسکوماچر و همکاران [۳۵]، جایوب کیم و همکاران [۳۲] که نشان دادند بین در معرض خشونت خانوادگی بودن در دوران کودکی و نگرش افراد به استفاده از خشونت علیه زنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد، همسوست.

فرض سوم: بین ضعف امکان نظارت دولت بر خانواده و همسرآزاری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۷. آزمون پیرسون رابطه بین ضعف امکان نظارت دولت بر خانواده و همسرآزاری

ضعف امکان نظارت دولت	همسرآزاری	
۱	۰/۰۱۴	همبستگی پیرسون
۰	۰/۹۰۲	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

در جدول ۷، سطح معناداری برابر $\text{Sig} = ۰/۹۰۲$ است؛ یعنی بین همسرآزاری و ضعف امکان نظارت دولت رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد ضعف (کمبود) امکان نظارت دولت ارتباطی با همسرآزاری ندارد. این فرضیه در پژوهش‌های قبلی مورد سنجش قرار نگرفته و صرفاً در پژوهش حاضر انجام شده است.

فرض چهارم: بین فشار اقتصادی و همسرآزاری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۸. آزمون پیرسون رابطه بین فشار اقتصادی و همسرآزاری

فشارهای اقتصادی	همسرآزاری	
۱	۰/۱۱۶	همبستگی پیرسون
۰	۰/۳۱۲	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

در جدول ۸، سطح معناداری برابر $\text{Sig} = ۰/۳۱۲$ است؛ یعنی بین همسرآزاری و فشارهای اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های حاصله از نتیجه آزمون فرضیه یادشده با نتیجه تحقیق لیاقت [۲۳] هماهنگ نیست، که نشان داد ۳۰ درصد از خشونت‌ها ناشی از شرایط بد اقتصادی و فقر خانوادگی است.

فرض پنجم: بین نظام اجتماعی سنتی (روابط نابرابر قدرت در جامعه) و همسرآزاری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۹. آزمون پیرسون رابطه بین روابط نابرابر قدرت در جامعه و همسرآزاری

همسرآزاری	نظام اجتماعی سنتی	
۰/۵۲۵	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

سطح معناداری در جدول ۹ برابر $Sig = ۰/۰۰۰$ است که نشان دهنده رابطه معناداری بین همسرآزاری و نظام اجتماعی سنتی است. همچنین، میزان همبستگی پیرسون برابر $۰/۵۲۵$ است که نشان دهنده شدت رابطه بسیار قوی و مستقیم بین متغیرهاست. نتایج آزمون نشان می‌دهد نظام اجتماعی سنتی تأثیر معناداری بر همسرآزاری دارد و با توجه به اطلاعات جدول ۹ هرچه میزان و میانگین نظام اجتماعی سنتی بیشتر شود، میزان و میانگین همسرآزاری در خانواده بیشتر خواهد شد. یافته‌های به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش محمدی [۲۴]، فتاحی مفرح [۱۶]، فرهادی محلی [۱۷]، زمانی [۹]، اکبری [۴] و اعزازی [۱] همسوست. همچنین، با یافته‌های پژوهش‌های خارجی اسکوماچر و همکاران [۶] یکسان به‌دست آمده است.

فرض ششم: بین فقدان منابع قدرت و همسرآزاری رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰. آزمون پیرسون رابطه بین فقدان منابع قدرت و همسرآزاری

همسرآزاری	فقدان منابع قدرت	
۰/۳۰۸	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۳	۰	Sig سطح معناداری
۹۱	۹۱	جمع کل

در جدول ۱۰، سطح معناداری برابر $Sig = ۰/۰۰۳$ است که نشان دهنده رابطه معناداری بین همسرآزاری و فقدان منابع قدرت است. همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر $۰/۳۰۸^*$ است که نشان دهنده شدت رابطه قوی و مستقیم بین متغیرهاست. نتایج آزمون نشان می‌دهد فقدان منابع قدرت تأثیر معناداری بر همسرآزاری دارد و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین فقدان منابع قدرت بیشتر شود، میزان و میانگین همسرآزاری بیشتر خواهد شد. یافته‌های به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش رئیسی سرتشنیزی [۸]، لیاقت [۲۳]، عارفی [۱۵]، محمدی [۲۴]، گرضایی [۲۱]، احمدی و زنگنه [۱۰] و تانگ [۳۷] همسوست. اما با نتایج پژوهش نازپرور [۲۷] هماهنگ نیست.

فرض هفتم: اعمال همسرآزاری در سنین مختلف متفاوت است.

جدول ۱۱. آزمون ANOVA (آزمون تحلیل واریانس یک طرفه) در مورد تفاوت اعمال همسرآزاری در

سنین مختلف					
همسرآزاری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
تغییرات بین گروه	۱۷۲۶,۴۲۶	۲	۸۶۳,۲۱۳	۳,۴۹۴	۰,۰۳۵
تغییرات درون گروه	۲۱۹۸۶,۰۴۱	۸۹	۲۴۷,۰۳۴		
جمع	۲۳۷۱۲,۴۶۷	۹۱			

در جدول ۱۱، سطح معناداری برابر $\text{Sig} = ۰,۰۳۵$ است که نشان دهنده رابطه معناداری بین همسرآزاری و سنین مختلف است و همچنین میزان F برابر ۳,۴۹۴ است که نشان دهنده تفاوت معنادار میزان همسرآزاری در سنین مختلف است. نتایج آزمون نشان می دهد میزان (میانگین) همسرآزاری بین افراد ۱۷-۳۳ سال در حدود ۷۶,۱۷ است که کمترین میزان همسرآزاری است. در گروه سنی ۳۴-۵۰ سال در حدود ۸۴,۹۶ است که در این گروه نسبت به گروه اول همسرآزاری بیشتر است و در گروه سنی ۵۱-۶۵ سال میزان (میانگین) برابر ۸۹ است که بیشترین میزان همسرآزاری را دارند. درحقیقت، با توجه به نتایج آزمون و اطلاعات جدول با افزایش سن میزان همسرآزاری نیز افزایش می یابد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش احمدی و زنگنه [۱۰]، اکبری [۴]، اللهوردیان عیدی [۱۳]، حیدری [۷]، رئیسی سرتشنیزی [۸] و عارفی [۱۵]، که نشان دادند بین سن و خشونت علیه زنان رابطه معناداری وجود دارد، همسوست، اما با نتایج پژوهش لهسایی زاده و مدنی [۲۲] و نازپرور [۲۷]، که بیان می دارند بین سن شوهر و خشونت علیه زنان رابطه معناداری وجود ندارد، هماهنگ نیست.

فرض هشتم: اعمال همسرآزاری براساس سطح تحصیلات آنها متفاوت است.

جدول ۱۲. آزمون ANOVA (آزمون تحلیل واریانس یک طرفه) در مورد تفاوت اعمال همسرآزاری

براساس سطح تحصیلات					
همسرآزاری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
تغییرات بین گروه	۲۱۰۶,۴۹۹	۶	۴۲۲,۷۴۵	۱,۸۲۲	۰,۱۳۲
تغییرات درون گروه	۲۰۱۸۶,۵۰۰	۸۷	۲۳۲,۰۲۹		
جمع	۲۱۸۷۷,۴۷۸	۹۱			

در جدول ۱۲ سطح معناداری برابر $\text{Sig} = ۰,۲۵۲$ است؛ یعنی بین همسرآزاری و میزان تحصیلات رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون نشان می دهد میزان تحصیلات تأثیری بر میزان همسرآزاری ندارد. یافته های به دست آمده با یافته های پژوهش لهسایی زاده و مدنی [۲۲]، نازپرور [۲۷] و رئیسی سرتشنیزی [۱۰] هماهنگ است و با نتایج پژوهش فتاحی مفرح [۱۶]،

کلانتری و حمیدیان [۱۹]، احمدی و زنگنه [۱۰]، اکبری [۴]، صداقت و زرینیان [۱۲]، گرضایی [۲۱]، استیکلی و دیگران [۳۴] و جارکو [۳۰] هماهنگ نیست.

فرض نهم: بین اعمال همسرآزاری از لحاظ میزان درآمد همسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۱۳. آزمون ANOVA (آزمون تحلیل واریانس یک طرفه) در مورد تفاوت اعمال همسرآزاری براساس میزان درآمد همسر

همسرآزاری	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
تغییرات بین گروه	۱۶۹۰/۹۷۹	۴	۴۲۲/۷۴۵	۱/۸۲۲	۰/۱۳۲
تغییرات درون گروه	۲۰۱۸۶/۵۰۰	۸۷	۲۳۲/۰۲۹		
جمع	۲۱۸۷۷/۴۷۸	۹۱			

سطح معناداری در جدول ۱۳ برابر $Sig = 0/132$ است؛ یعنی بین همسرآزاری و میزان درآمد رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد میزان درآمد تأثیری بر میزان همسرآزاری ندارد. یافته‌های به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش‌های حیدری [۷]، احمدی و زنگنه [۱۰]، گرضایی [۲۱]، صداقت و زرینیان [۱۲]، فرهادی محلی [۱۷] و محمدی [۲۴] هماهنگ نیست. اما با یافته‌های پژوهش‌های خارجی مانند تولمان و روسن [۳۶] همسوست.

بحث و نتیجه‌گیری

نظام مردسالاری یکی از شاخصه‌های متغیر نظام اجتماعی سنتی است که در نظریه پدرسالاری مطرح شده است. آنچه مهم است و همه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که همسرآزاری بازتابی از یک جامعه مردسالار است که در آن روابط نابرابر قدرت در جامعه وجود داشته و خشونت در حفظ و بقای این روابط نابرابر قدرت عمل می‌کند. به عبارت دیگر، همسرآزاری بازتاب و ضامن قدرت مردان بر زنان در جامعه به صورت کلی است یا اینکه بدین سبب در روابط خصوصی میان زنان و مردان وجود دارد. وجه مشخصه پدرسالاری عبارت است از اقتدار نهادینه شده مردان بر زنان و کودکان در واحد خانواده. برای امکان پذیر شدن اعمال این اقتدار، پدرسالاری باید سراسر سازمان جامعه، از تولید و مصرف گرفته تا سیاست و قانون و فرهنگ، را درنوردد. پدرسالاری از لحاظ تاریخی (فرهنگی) در ساختار خانواده و در تولید زیستی-اجتماعی نوع بشر ریشه دارد. خانواده پدرسالاری الگویی است که بر اعمال دائمی و پایدار اقتدار و سلطه سرپرست مذکر و بزرگسال خانواده بر کل خانواده مبتنی است. در واقع، آنچه موقعیت زنان را در جامعه ایران تبیین می‌کند سازمان قدرت است که با اتکا به ساخت فرهنگی و اجتماعی در قالب رویکردهای همه‌گیر و چهره‌های چندگانه قدرت توجیه می‌شود که در نظام پدرسالاری قابل تبیین است. در این تحقیق، به این نکته مهم رسیدیم که با توجه به پیشرفت

حقوق بشر و تأکید بر حقوق برابر بین زن و مرد در جامعه امروزی، متأسفانه نظام سلطه پدران و برتری قدرت مردان بر زنان و وجود قوانین تبعیض آمیز در دنیای کنونی به ظاهر مملو از شعار فمینیسم و دفاع از حقوق زنان وجود دارد.

در انتها، با توجه به شاخص‌های متغیر نظام اجتماعی سنتی، هرچه روابط نابرابر قدرت، سلطه مردان بر زنان، نظام سلطه پدران، برتری طبقه مردان بر زنان و ستم بر زنان در جامعه بیشتر باشد، میزان همسرآزاری در خانواده هم بیشتر می‌شود و نقش نظام مردسالاری در شکل‌گیری و شیوع خشونت بیشتر و پررنگ‌تر می‌شود.

محدودیت

- فراگیر نبودن فرهنگ پژوهش در کشور و در نتیجه همکاری نکردن برخی شعبات دادگاهی؛
- دسترسی نداشتن به همه منابع موجود به خصوص پایان‌نامه‌ها در سایر دانشگاه‌ها؛
- رغبت نداشتن شهروندان به امر پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه.

منابع

- [۱] اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، فصل‌نامه پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۴، ص ۴۷-۸۴.
- [۲] اعظم‌زاده، منصوره؛ دهقان‌فرد، راضیه (۱۳۸۵). «خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۴، ش ۲-۱، ص ۱۵۹-۱۷۹.
- [۳] احمدی، حبیب (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- [۴] اکبری، مهدی (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده (بررسی موردی: شهر خمین)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور.
- [۵] پوررضا، ابوالقاسم؛ موسوی‌سندی، پدram (۱۳۸۲). *خشونت علیه زنان*، تهران: ایران‌بان.
- [۶] پهلوان، الهه (۱۳۹۰). «بررسی خشونت خانوادگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد گرمسار.
- [۷] حیدری، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی خشونت علیه زنان و عوامل مرتبط با آن مطالعه موردی شهرستان طارم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش‌گری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
- [۸] رئیسی سرتشیزی، امرالله (۱۳۸۱). «خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن مطالعه

- موردی شهرستان شهرکرد»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، س اول، ش ۳، ص ۴۵-۶۶.
- [۹] زمانی، علی (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان گچساران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- [۱۰] زنگنه، محمد (۱۳۸۰). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده مطالعه موردی شهر بوشهر»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- [۱۱] سیف‌ربیعی، محمدعلی؛ رضانی، تهرانی، فهیمه؛ نادیاختمی، زینت (۱۳۸۱). «همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱، ش ۴، ص ۲۵-۲۵.
- [۱۲] صداقت، کامران؛ زرینیان، جلال (۱۳۸۷). «عوامل اجتماعی و خشونت خانوادگی در بین خانواده‌های شهر تبریز»، مجله جامعه‌شناسی، س اول، ش اول، ص ۱۱۱-۱۳۵.
- [۱۳] طرزی، تقی (۱۳۸۵). «بررسی نقش مردسالاری در خشونت خانوادگی (مطالعه نظری همراه با پژوهش پیمایشی در شهرستان سبزوار)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۴] عیدی، الله‌وردیان (۱۳۸۴). «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نرده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- [۱۵] عارفی، مرضیه (۱۳۸۲). «بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در خانواده»، فصل‌نامه مطالعات زنان دانشگاه الزهراء، س اول، ش ۲، ص ۱۰۱-۱۱۹.
- [۱۶] فتاحی مفرح، مریم (۱۳۷۹). «بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان در خانواده‌های تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۷] فرهادی محلی، محمود (۱۳۸۷). «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان (آزمون تجربی دیدگاه نظری چندگانه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- [۱۸] کار، مهرانگیز (۱۳۸۷). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۹] کلانتری، صمد؛ حمیدیان، اکرم (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت‌های خانگی با تأکید بر خشونت علیه زنان در شهر اصفهان»، فصل‌نامه توسعه انسانی، دوره ۳، ش ۴، ص ۴۹-۶۴.
- [۲۰] کاظمی، سودابه (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی علل خشونت شوهران نسبت

- به زنان در منطقه ۶ تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- [۲۱] گرضایی، پرویز (۱۳۸۲). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده (مطالعه موردی: شهرستان ایلام)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۲۲] لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ مدنی، یوسف (۱۳۸۹). «گرایش شوهران به خشونت علیه همسران»، فصل‌نامه زن و جامعه، س اول، ش اول، ص ۱-۲۴.
- [۲۳] لیاقت، غلامعلی (۱۳۸۴). «خشونت علیه زنان در خانواده»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲، ش اول، ص ۱۶۳-۱۷۹.
- [۲۴] محمدی، یاسر (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نورآباد ممسنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد رودهن.
- [۲۵] مولاوردی، شهیندخت (۱۳۸۵). *کالبدشکافی خشونت علیه زنان*، تهران: دانش‌نگار.
- [۲۶] نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۹). *نفی خشونت علیه زنان از نگاه علم و دین*، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- [۲۷] نازپرور، بشیر (۱۳۸۱). «همسرآزاری»، فصل‌نامه پژوهش زنان، ش ۳، ص ۲۵-۴۴.
- [28] Anderson M L, Leigh (2010). *I W. Internal consistency and factor structure of the revised conflict tactics scales in a sample of deaf female college students*. J Fam Violence..25. PP 475-483.
- [29] Jain d ,sanon s, sadowski L, hunter w(2004). “violence against women in india: evidence from rural maharashtra india” *international journal of rural and remote health*, no 304, PP 1-8.
- [30] Jarchow, A.L (2004). *Analayzing Attitudes Toward Violence Against Women*. PhD Thesis.United States : Idaho State University.
- [31] Jazaeri A. Sharifi M. (2012). “Relationship between emotional abuse as a source of stress and perceived social support as a source of stress and tension headaches Migraine patients”. *Journal of forensic Medicine*.17 (2).PP 87-94.
- [32] Kim,J.et.(2009). “The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health among South Korean Women”, *Journal of social welfare*, 24, PP 193-202.
- [33] osmond, m.w, and b. thome(1993). *feminist theories: the social construction of gender in families and society,in sourcebook of family theories and methods: a contextual approach*, edited by p.G. boss et al, PP 591-623, new york, plenum press.
- [34] Sticklely,A.,O.Kislitsyna,,I.Timofeeva,D.Vagero (2008). “Attitudes toward intimate partner violence against women in MoscowRussia”, *Journal of Family Violence* , Vol 23, PP 447-456.

- [35] Schumacher ,J,& et al (2001). “Risk Factors for male –to-female partner physical abuse”, *Journal of Aggression and Violent Behavior*, Vol 6, pp 281-352.
- [36] Tolman ,R.M.& Rosen, D (2001). *Domestic violence in the lives of women receiving welfare-mental health , substance dependence ,and economic well-being*, Violence Against women, PP 141-158.
- [37] Tong ,A.R.W.C.(2003), *A Multivariate Path Model for Understanding Male Spousal Violence Against Women: A Canadian Study* .PhD Thesis. Canada:University of Toronto.

Archive of SID